

بر علیه هر گونه استعمار کشور ایران مبارزه کنید!

دوشنبه ۱۷ آسفند فاه ۱۳۴۲ - ۸ مارس ۱۹۶۳

نامه رسانه

جوانان بیندیشید

ها کمیکردید، در کوچه‌ها که راه می‌روید با موز شکلها که قدم می‌کنیدند، با این خود را تکان دید، با تکان انصاف خوشندا و آن کمیکرد و می‌شود در باره آنها گرم کرد و با مراحت اندیشه قلب خود را بکار نهادیزد. اندیشه‌های دیروز را پیغامد: امروز راهبیت سکرید، درباره غذا پیشید. نیکوم غلافی کرد و در اقیانوس اتکار بر نعمت بارها شنیده خود را پلتوچ اسپاره با در آسان تجیل صنان برای دیدن و شنیدن است در بسیاری این دشت‌های آن تکیان اندیشه کشیده اند که تماشاخانه‌ای باشد و مارا چند روزی در آن بیزاری گردیده باشد و شناخوانده اگر چشم و گوش برای سامان‌بازار کشیده باشد. همان انتظار را از شلوغ خود در این دوز کار شارمنه داشتند و شنیدن ها را توجه بدست آیه‌الاہم آشتند که شناختند، در اینجا باندیشیدند که بیوهه خواسته بودند.

دیناتی که اکنون شا در آن دفان اتفاق و شرمن عرب را می‌کردند و شام و جوانی را دافعه بدهی بفرادی بیزی ای ساری‌بیان آب‌اللذتند که رازه‌های ای تک و باریت ساخته با سرعت گرفتند

لحاظات بطریف نسبت جات می‌شند آیا می‌شوند که سیر این آب چکوون است؟ از کجا می‌گذرد؟ ویچ و خش احباب کردند ایه، آیه‌ایند که هنام گشتن

چ چو زما با خود اورد؛ و یا از خود ساحل چ بیز ها می‌سارد؟

ایه‌ای کاتانی است که بکله صدای تابه شار شا را باندیشه می‌خواند این دعوت‌ها پیدرید و شنیدند.

این روز های انتانی و خندان این روزهای طوفانی و تاریک این روز هایی سردو گرم را برایانک از کف نمهد صحبا که از خواب بر می‌فریزد نگوید که «اه بار و رو شد»؛ و غرورها که چهه تاریک ش کم کم سودار می‌گردد زمرة تکنید که «امروز هم گشت بکله‌دار گردید»؛ این روزها و ساعه‌هار روز دیگر می‌اید و می‌رود چه شا بکله‌داره بیانگاره؛ و می‌رود چه شا او شما بستان، این در گرفت.

مسن کریم نصت وزیر استالا اعلامیه ساز ارش مارک اوتور رسانید و مصوب

آن عهادی از هواپیاساهای سیاران سکن در نعمت سایر این اتفاقات بزرگ شدن و

تیروی کلکو و مهیات ارسل داده

ایلا فاصه بس از اکتفا

غیر داده است اسنایل بیونج فرمان رسی بازارشال اتحاد هواپیاساهی سیاران سکن

کاروان ڈانیه پیمانه شدند بزرگی

که بزرگی که این اتفاقات بزرگ شدند

در گرفت.

مسن کریم نصت وزیر استالا

اعلامیه ساز ارش مارک اوتور را دیدن

مخصوص در پارلیان استالا باشند

نایانه گان و نایانه دواده کشتن

۱۵۰۰ سیار و اسلحه و میلات و

تاو چنگی ڈانیه که کاروان را شکل

مدادن در تجیه همه های شدید و مدام

پسانکهای متفق در دریای شال جویره

که جدید تامانه مصروفات خود غرق

شدن در ضم تجهیز دینه های ایه

بیهیهای بزرگی هایی می‌گردند

بنه در منتهی

فلسفی و اجتماعی

سخنران بزرگ

وای شیخ از حضرت فریم مده بزرق

کایند ز بوریای تو بیوی ریا هنوزه

مالک غریق نعمت و جاه وجلال و ناز

زادع اسر زحمت و زنجو بلا هنوزه

کاینه هاعروم سیاست زانکه هیچ

کاینه سفید تدینهیم مسا هنوزه

(فرخی بزدی - طوفان)

مرد را در لباس خلقان جوی

کچ در جایهای ویران جوی

(سنای)

هر واقعه در تاریخ دوبار تکرار می‌گردد: بار اول کیم

ولی دفعه دوم تراژیک است

(کارول مارکس - ۱۸ بروم لوئی بناپارت)

تهران مرکزی حزب قو ده ایران

LIBRARY OF
HESSE RECORD
OCT 1 1944
Order Number

صال امیار و مدیر مسئول: ارج اسکندری

تلن ۵۱۰۷

جای اذاره خیابان راهنمای چه سعادت میر شاهزاده ۱۰۲

بهای اشتراك سالانه ۲۵۰ روبل شش ماهه ۱۳۰ روبل سه ماهه ۷۰ روبل

سین بیانی آگهی با بفتر اداره است

بهای تک شماره - بکری بال

سال اول - شماره سی و نهم

ما سئوال می‌کنیم

هزوز کارگران شاهی و اعضاء حزب بوده ایران که بستور مجذ آستانه ای مازندران بدون هیچکوی مجوز قانونی توفیق ویساري گیل شاه اندوز تجزیه

هزوز جناب استاندار که خود را مانند سازی ایهای زمان داریوش نمایند

چند و مالک جان و مال ساکن حزب ماموریت خوش میدان تضمیم باستغلان این

یکگانه نگرفته است.

واضح است استاندار باین سهولت دست از غربایهای خود بر تجزیه - حق هم

دارد زیرا بس از مدتی شکاری بید آورده و غاکری است تا آخرین حد امکان

از این عمل بزرگ تاریخی: تجیه یکبر، حق خدمت و شایستگی خوش

برخ اوایل امور تکشید و شایستگی خوش میدانی است و در همای

حکومت خودسری و دروغگویی را فراموش نکرده است.

همین جناب که با تهم حمل در اسناد رسمی هدت هدای

است در شفاهه اول استنطاق دادرسی تهران تحت تعقیب جرائم

است یکی دستکاره دنگ زده و قاضی اجتماعی ویساري دوستان صیغه و مخدومین

خوش تایم تاریخ موقع شده است بروند و زرایی را بعلطف العیل متوقف کند و خود

همین برمنه برمنه فراموش مالی شال تکه بوده کاهی در گیلان و زمینی در مازندران

صلیبات آزادی کشی و خلاف قانون خوش ادامه دهد.

دردانی این بقعه مجلس، وزارت کشور و وزارت دادگستری، دادستان

دادستان دیوان کفر و خلاصه تمام دستگاه مقته اداری و قضائی سکوت می‌کند و

خود را بکوچه على چب می‌زند.

تعجب هم نداند زیر از جزیر

زنگ و زده و شکته، از مشتبه

موریانه خورده و فاسد جز کار

خراب و نتیجه فاسد نیتوان انتظار

داده است.

امروز مناسنه اینجا می‌گذرد

کسانی اداره می‌شود که سالان در از درست

استبداد در موقعاً نیزی وی احتیاطی بقواین

و مقررات آموخته اند برای اینان آزادی

و احترام بحقوق افراد کسانی است که در

دیوان خارج صبور و مصروف نداند و

در موقع از شخصی و خانادگی بر اجل کرد.

قانون در نظر این آفایان و سیله

سیار مقدمی است که بسیارات آن هنوزان

صاحب بارک سعادت، اتوپلی و دولت

شده بوزارت و اسناده اداری و ویسای

و در موقع صبوری از آن بفتح مخالفین

استناده مودودی از اجرای آن بسیور

صرف نظر کرد و بدین طبق برش می‌زند

خندید.

دیوار تکه شده اشخاص که می‌گردند

وزیر دادگان کوین مورد

معامله کنند گان کوین مورد

تعقب واقع می‌شوند

طبق نصیحت همچو عصیان شدند

هزوز دیکتاتور در اینجا

دست از این می‌گردند

هزوز دیکتاتور دریا کی که می‌گردند

وزیر دادگان که از اینجا

وزیر دادگان که از اینجا</p

ایران و دنیا

سخنرانی بزرگ عاوی در کاوب حزب توده‌بران

شبح دیکتاتور

دیده اند و حیات خود را مدیون دیکتاتوری هستند - اصولاً متعلقاتی نیست که با دیکتاتور و دیکتاتوری موافق نباشند لکن خودشان معنی شوند ما باید باور کنیم؛ ما باید باور کنیم که بعض آنکه ممکن کرد هم رضوه و ناپنهده دیکتاتورها گریخته اینهمه دمانت باید که اینها احساساتی نیاشنید و باشد: اینهمه و نکته جدیدی است که فرزندان استبداد پسند گرفته اند - این هم ساز جدیدی است که برای رساندن ماموریتند - ما با کمال واضح می بینیم که هر قانونی که در اثر شمار ملت صوره وی طرح میشود در زند قوه مقتله یا در زند قوه میری بهلا (القادم) می ماند و اگر هم اینجا از چنین آن های پیدا رفت در زند قوه قضایی بدون از میماند و یا از مکوس می بخشند متوجه چون این عمل از فرد میمی ناشی نیشود ما پیشنهاد خود استبداد نیستیم و استبداد را که مقصدری درین نیست - منصره ممان طبله عاکه است، همان طبله ای است که از اراده امن بصالح ماضیکار نیستند - از این اینجعیت ما وقتی که می بینیم که قانون منع احتکار اتری شد مطற قانون تجدیل مال الاجاهه غراموش شد - قانونی برای یه کارگران بسته عمل نیست و خلاص وقی می بینیم که اراده باید مشت عاریگر و بارا زیست بر از اراده ملت عالی آدم و وقتی که می بینیم که دستگاه ایلاتی مرتعین مرتبه ای اغفال ملت کار می کند و نازه ملت را از فکر مصالحت خویش بیاد نشود از نازه ای اندانته است - حسی کنیم که هنوز شجاع و حشت انتکر استبداد در زمینه زندگانی ما نابیان است -

همان طبقه اي حکمه ای برای حفظ آبروی
ظلم و ستم و برای غرب دادن مهرمان
سادلوج ، یعنی آذربایجانی را بازگردانید
و بدروخ غطف منانع زیبیران و اسرلوجه
بر نامه خود فرادراده است .

است دیکتاتور خیفی ملت . این
طبقه است حکمه تا وقتی که باقی است
دیکتاتوری هم نات و پایه جاست . این
طبقه است که «قططان بد کی دیکتاتوری»
ماشروع آمدادار دوزنوت که متعصب شد
بعکی از آنها را بدستگاه دولت چشمیدند .
این طبقه بود که بهلوان در مشترع
را چار آئته بست و زده پوشاند و به
سیدان کرستان و القاب آنسانی از قبیل
«کاووه صدر طالانی» «ناجی ملت دار بوشی»
و غیره وغیره برای او نازل کردند سکنه
بلیغهای خود را برای پوشیدن خوبیت
بکار انداخت .

این طبقه است که چشمبدین کترین
سادات را برای نوude ندارد . این طبقه
است که از این آزادی «اکبری» «هم
در و پنج است و باز همان دستگاه تبلیغاتی
را که برای آوردن آن بهلوان بکار
رفت بیشکل بازه ای بکار انداخت و به
ناصی جدیدی سراغ گرفته و درصد است
که جامه تازه ای باپوشاند و لوازی برای
جان این ملت مسلح سازد .

تا وقتی که طبقه دیکتاتور نبوت
دارد و ما نداریم ، وسائل تبلیغات دارند
ما نداریم ، اسباب زور دارد و معاشرانیم
این بهلوانهای دیکتاتوری در این صفت
رثت و آدمخواهند کرد و هنن خود را بازی
خواهند نمود .

طبقه اي که از دیکتاتوری خبر
میدانند

قداره که کنترالیس مصلح شکل شود ما را نیز بیزاری بگیرد . نه : دولت ایران باید سرنوشت خود را باسوس نوشت متفق توأم نکند . معیج است که فرازداده ایران با دولت پرزرگ همراه طبق مشور اقلاتیک تنظیم شده ، وابن منصور برای کله ملتها حق گذاشت و استقلال سیاسی و کلت اقتصادی قابل شده ، ولی استفاده از این مزایا سهنه بدها کاری و لیاقت خود میگلت هاست اطمینان متنبیل و بلکن در تهران فراموش نکشم که گفت بود من در دنی سفارت میگشم و میغرومید بدانم که چه کسانی در این جنگ با ما هستند و کسانی برعلیه ما مادرت تحمل اعصاب چنان تا آنها که ملت ایران ناگوی تصلح دارد شریک بوده ایم ، باید کاری کرد که از عزایای صلح نیز بهان اندازه برخورد اشاره شوند و این وظی میگن است دولت ایران جرات و شهامت داشته و بنا آغاز سیاست روشن و سوچی اخراج اتفاق خود را با مبالغه متفقین اعلام کرده و پیروزی آنها را پیروزی ملت ایران بدانند . ابر آنی انتقاد این سیاست روشن و سوچی آنستکه متفقین نیز در پیاسات خود تجدید نظر کرده مجبور خواهند بود کلت اقتصادی یشتری بسلت ایران بندول دارند

چنگی که امروز دنیا را غرا کرف
اچنگهایی که در قرون گذشته ماینین در
کشور در میگرفت فرق کلی دارد بر همچ
کس پوچیده بست کسر و نوشت کیمعلیت
ما سهنه تیجه این چنان است که دسته
تفاهم که دارای دو عقیده متصاد هستند
در مقابل یکدیگر صفت آزادی که که داده
رطبو رو یعنی حیات و میلت ایران
بر سهنه میقت این چنان است اگر خراد
خود را که اصول و عقاید هیتلری نیز که
زادی متنی بر تقوی توادی بر توادیکر
فرماندهی ملت‌های بر کیمیه و استیلای
کلیه بولت‌های دیگر و غصب کشورهای
نهاده شدگی اقتصادی ملت های مغلوب
از بین بردن آزادی های دموکراسی و
جمهوری و زنگینی در ترتیب دنیا کیفیت‌ها
نمود دیگر چه استقلالی میتوانیم داشته
باشیم چونکه میتوانیم ما نیکوییم که
سا با این چنان کاری نداریم در صورتی
که پیش از می‌بینیم که چنان یکاما دارد
غنا اگر چندی پیش بکی از وزیران در
من مناصبه باشندگان حزب تواده اظهار
اشت که «ما آلان چه کارداریم»
لوگر کیه که این اظهار با از روی اینها
با از نظر دماغکویی بوده است

یعنی بدایله که صرمه و صلاح حکومت
شاخان نیز در این بود که از چنان بر کثار
بساند اما شمله چنان کشور مارا بیزفا
گرفت و امروز کارگر و رعیت ایرانی
مزادران میبینیم اقطیع مغض خاطر جاه
طلی هیتلر و مرسی و طبع سرمایه‌هاران
لسان تحمل میکند

چه خوب بودا گر ما میتوانیم خارج
زمیه این سیل کر هشکن قرار یکدیگر
با این این این این این این این این این این

ماهگاه‌هاست، برای مبارزه بر علیه عوامل پوسیده اجتماعی
ارتعاشی و بر از فساد سوگند و داری یاد کردیم با یکدیگر
همه شدیم که در جریان مبارزات اجتماعی و هنری در طی
زندگانی خصوصی خویش سعی کیم که بردم عملیات خود را طبق
کفتوان نشان دهیم.

در ادارات دولتی اعضاء حزب توده ایران تا کنون نسبت به
ایمان خویش بطور تفکر خود امتحاناتی داده و میدهند. «مالک انصاری
را سرانجام داریم که در طی کارهای «بر استفاده» اداری بنا بقول
ساختمان کار انش بملت «سرپرستگی» با کمی و صداقت خود را
نشان داده اند.

منجمله امروز مورد بحث ما عملیات یکی از اعضاء حزب
توده ایران است که بدون توقع اجر و مزد سالانه بینج میلیون زیال
بسندوق شهرداری کیک کرده است. گلک بسندوق شهرداری
از این لحاظ مهم است که ایست مبلغ اش کشی بینی و عرق
یشان و نجیری بوده است و بایستی بعنوان مالیات برصاص رف ملی
بررسد. حال پس از آن در صندوق شهرداری بدان وجه چه مامله
کنند بنا مربوط نیست. قضیه از این قرار است که:

سابقاً مقداری از عوارض اتوبوس رانی ما نند لقمه چرب
و نرمی پیچیت یکمده از ما بهترافت بیرفت که حتی به از خود
بزرگتران هم پس نمیدادند.

آخر شهر داری تهران از یکی از دفاتر حزبی ماموسوم
به ساخته الله — پدر ثانی خواهش کرد که در امر سر کشی بوارض
اتوبوس رانی جدا اقدام کند.

وی از لحاظ حفظ منافع ملی بدون توقع اجر خواهش
شهر داری را بدیرفت و اینک چند روز است که دست و بای استفاده
چیان قبلي را در پیست گردید گذاشت است.

بدین معنی که سابقاً عوارض روزانه شهر داری از ایست

آخر شهر داری تهران از یکی از دفاتر حزب ماموس
به مساعده الله — پدر ثانی خواهش کرد که در امر سرکنی بوارض
آنبوسرانی جدا اقدام کند .

وی از لحاظ حفظ منافع ملی بدون توقع اجر خواهش
شهر داری را ندیرفت و اینک چند روز است که دست ویای استفاده
جیان قبلی را در پرست گردو گذاشت است .

بدین معنی که اینجا عوارض روزانه شهر داری از ایت
راه حد اکثر به ۱۰۰۰۰ ریال میرسد بمکن امروز این مقدار تا
۲۳۰۰۰ ریال رسیده است .

۲۳۰۰ ریال در روز : — یعنی
۵۰۰۰۰ ریال در سال :

این است عوامل بوسیده وایست یکی از طرق مبارزه بر علیه
او بشرطیکه چشم حقیقت بین و مشکاف موجود باشد .

(ق — بیان)
بین شرط :

ملکر افات

نک اف از نکاپ

نکار اف از تکابی
جناب آفای نصت وزیر هشت
رونوشت و زلوت بهادری روزنامه های
ایران اقدام اطلاعات مهر ایران کیان
با خبر رهبر رونوشت آفای عادل
شہو ار ریس بهادری شہو ار برقاء
و خفتا نوجوی نماد تدرستی کشاورزان
به مختاره افاهه تندا رام با هزار
بزشکی گار دان و وظیفه شناس از
بنویان این دیار حیات فرماید.
از طرف کشاورزان تکاب عیسی
محمد تقی - احمدیان روشنی - اسماعیل

| | |
|---|--|
| <p>متضادی - رضا خامه: بری - علی انصاری</p> <p>منتظری - محمد توکلی - عباس سلیمانی</p> <p>رمضانی - مجید - اسماعیل</p> | <p>مطابق معمول معروف داده است و از این بایت بین بامه همین وعده های خالی داده تند با آنها داده شده است اگر کارخانه قدر در اول سال و مدت هایی در این موضوع نمایشگاهی از این نظر نمایند</p> |
|---|--|

تلگراف از اراک

جناب آفای نصت و وزیر روتونش
آفای و وزیر معتر میشه و هنر روتونش نامه
ملی در هب روتونش توپهارو و توپهار ایران
اصحابان ناینده هفغان و زادهین بلوک
کوارد شاه استهر ما مهروش میدارید های
هر دو بلوک فوق با آنکه سهی بزرگ در
تولید چند در قدر داده هنر اسفاها با وعده
های سریع و سکر مقامات مربوطه داری
بر تسمیه قدم زارهین بات قیمت پندر
متالیا قدم در بیانات نکرده آنه حسب توانی
که دولت این زارهین را که هر ساله پیشین
او ارض خودرا پندر کاری میباشد و در
سال با وضیت دشویار حل و خل امروزه
حاصل دست رنج خود را تحول کارخان
هدایه اند با سایر مردم بین برادرانه و

سؤال میکنیم

ماز آقای دادستان قهران میرسیم

بروند اینها آقای مددستاندار مازندران ناگوی باشد

باید در شهریک استطلاع برخواهد

ماز آقای دادستان دیوان

کیفر سوال میکنیم با وجود عدم جزوی

که از طرف مراجعه میباشد خلاف قانون

مجد در امور دادگستری شده است علی

نم تقبیح مشاریه چیست

مالزایندگان مجلس سوال

میکنیم اگر حقیقت خود را و کیل مردم

ایران میدانید پیرا در قال این یقانوی

ما، این خودسری ها این تعطیلی بازی

ما اصرار پیکنید

وبالآخر از اعمال ایران میرسیم

تاکی تحمل میکنید این قیل عناصر زمام امور

شارا در دست بگیرد و هست و بست

شما و از طلاق کنند و با اعمال خلاف قانون

خود آزادی و حقوق شا را لک کوب

نایاب، آبروی ایران و ایرانی دادن انتظار

برپریند

دینا

در پیل و هشت سات اخیر

را بینی که محاط کاروان بودند سرگون

گردند

ظرفیت منکری های غرق شده

۹۰۰۰ تن بود و فقط یک مقررات مخصوص تین

نود و میمود به بخته دریافت بدر و

قسم آن درین ذارعن باست ملاکن

اعجم میگردید

اگل این ملاکن بدن توجه به

اینکه دولت برای چه مظواهان کار داد

میکند بدر دریانی را ضبط کردند عرض

اینکه مطابق مقرراتین ذارعن تک

مایه قسم کرد و آنها را وادا و یکش

نایاب بدر را تقبیح بالا در نز

مسوی بازاریهای سیفر و شدید

ستگن میوهاد بدهانی بد بخت تحلیل

نایاب ملا (صفحه در نصف) در میک

آبادی چند نفر میکن است جل و یالان

خود را بخواهد و از مالک بدر مساحده

را بخرد ولی سارین که سائز اکثریت

اند فقرت بغيره ندارند و بزرگارداد

ستگن صفت در مصالح

دوست و دشن تاییری زیادی نبود خبر

سکار روپر مستعد است که در تجهیز

شدن این کاروان که از مدتها پیش

زاویونی ما مخقول فرام آوردن آن بود

حضرت حله زبان باشترالا؛ تا مدتی مرتضع

دهد است بولن برای دفع نگرانی ملت

مایه عضویان سه جانی از فقرت ساختن

کتفی های زانی فضی میکند و بین

و سه شکاری متفقین باستگاه خود باز

نگشتند

خبر هیجان انگیز فسوق در مصالح

دوست و دشن تاییری زیادی نبود خبر

سکار روپر مستعد است که در تجهیز

شدن این کاروان که از مدتها پیش

زاویونی ما مخقول فرام آوردن آن بود

حضرت حله زبان باشترالا؛ تا مدتی مرتضع

دهد است بولن برای دفع نگرانی ملت

مایه عضویان سه جانی از فقرت ساختن

کتفی های زانی فضی میکند و بین

و سه شکاری متفقین باستگاه خود باز

نگشتند

خلاصه از غربان چین برمی آید

این شرکر گرین گرفت تجھیقطی و اراداقیوس

کیفر سبب متفقین اختر و رفته رفته تماذل

نیزهها تدفع متفقین برخواهد گشت

جهجه خوری

پس از انتشار خبر میهم غافر تصرف

ررق پس میباشان خوری و متفاق

اشبار دار بر حله عمومی قیمو شکو

در نوای ایلمن نظر مصالح ظامی

جهجه ایلامن رفت پرسنی و قوق المان

بهر بیان اینکه که دولت میگردد ختم بیاره

کاری تدارد اینکه زیستهای میزبان خود را

فیض گراف فروخته خرج جیاشی و متنی

میکند است و پس از تکه آنای را

نهام نمودند اکنون رزمی های خوشی

باقی شیوهای بذر را در بازار آزاد

مهم ! تفاوت بود

خلاصه از غربان چین برمی آید

این شرکر گرین گرفت تجھیقطی و اراداقیوس

کیفر سبب متفقین اختر و رفته رفته تماذل

نیزهها تدفع متفقین برخواهد گشت

جهجه خوری

پس از انتشار خبر میهم غافر تصرف

ررق پس میباشان خوری و متفاق

اشبار دار بر حله عمومی قیمو شکو

در نوای ایلمن نظر مصالح ظامی

جهجه ایلامن رفت پرسنی و قوق المان

بهر بیان اینکه که دولت میگردد ختم بیاره

کاری تدارد اینکه زیستهای میزبان خود را

فیض گراف فروخته خرج جیاشی و متنی

میکند است و پس از تکه آنای را

نهام نمودند اکنون رزمی های خوشی

باقی شیوهای بذر را در بازار آزاد

مهم ! تفاوت بود

خلاصه از غربان چین برمی آید

این شرکر گرین گرفت تجھیقطی و اراداقیوس

کیفر سبب متفقین اختر و رفته رفته تماذل

نیزهها تدفع متفقین برخواهد گشت

جهجه خوری

پس از انتشار خبر میهم غافر تصرف

ررق پس میباشان خوری و متفاق

اشبار دار بر حله عمومی قیمو شکو

در نوای ایلمن نظر مصالح ظامی

جهجه ایلامن رفت پرسنی و قوق المان

بهر بیان اینکه که دولت میگردد ختم بیاره

کاری تدارد اینکه زیستهای میزبان خود را

فیض گراف فروخته خرج جیاشی و متنی

میکند است و پس از تکه آنای را

نهام نمودند اکنون رزمی های خوشی

باقی شیوهای بذر را در بازار آزاد

مهم ! تفاوت بود

خلاصه از غربان چین برمی آید

این شرکر گرین گرفت تجھیقطی و اراداقیوس

کیفر سبب متفقین اختر و رفته رفته تماذل

نیزهها تدفع متفقین برخواهد گشت

جهجه خوری

پس از انتشار خبر میهم غافر تصرف

ررق پس میباشان خوری و متفاق

اشبار دار بر حله عمومی قیمو شکو

در نوای ایلمن نظر مصالح ظامی

جهجه ایلامن رفت پرسنی و قوق المان

بهر بیان اینکه که دولت میگردد ختم بیاره

کاری تدارد اینکه زیستهای میزبان خود را

فیض گراف فروخته خرج جیاشی و متنی

میکند است و پس از تکه آنای را

نهام نمودند اکنون رزمی های خوشی

باقی شیوهای بذر را در بازار آزاد

مهم ! تفاوت بود

خلاصه از غربان چین برمی آید

این شرکر گرین گرفت تجھیقطی و اراداقیوس

کیفر سبب متفقین اختر و رفته رفته تماذل

نیزهها تدفع متفقین برخواهد گشت

جهجه خوری

پس از انتشار خبر میهم غافر تصرف

ررق پس میباشان خوری و متفاق

اشبار دار بر حله عمومی قیمو شکو

در نوای ایلمن نظر مصالح ظامی

جهجه ایلامن رفت پرسنی و قوق المان

بهر بیان اینکه که دولت میگردد ختم بیاره

کاری تدارد اینکه زیستهای میزبان خود را

فیض گراف فروخته خرج جیاشی و متنی

میکند است و پس از تکه آنای را

نهام نمودند اکنون رزمی های خوشی

باقی شیوهای بذر را در بازار آزاد

مهم ! تفاوت بود

خلاصه از غربان چین برمی آید

این شرکر گرین گرفت تجھیقطی و اراداقیوس

کیفر سبب متفقین اختر و رفته رفته تماذل

نیزهها تدفع متفقین برخواهد گشت

جهجه خوری

پس از انتشار خبر میهم غافر تصرف

ررق پس میباشان خوری و متفاق

اشبار دار بر حله عمومی قیمو شکو

در نوای ایلمن نظر مصالح ظامی

جهجه ایلامن رفت پرسنی و قوق المان

بهر بیان اینکه که دولت میگردد ختم بیاره

کاری تدارد اینکه زیستهای میزبان خود را

فیض گراف فروخته خرج جیاشی و متنی

میکند است و پس از تکه آنای را

نهام نمودند اکنون رزمی های خوشی

باقی شیوهای بذر را در بازار آزاد

مهم ! تفاوت بود

خلاصه از غربان چین برمی آید

این شرکر گرین گرفت تجھیقطی و اراداقیوس

کیفر سبب متفقین اختر و رفته رفته تماذل

نیزهها تدفع متفقین برخواهد گشت

جهجه خوری

پس از انتشار خبر میهم غافر تصرف

ررق پس میباشان خوری و متفاق

اشبار دار بر حله عمومی قیمو شکو

در نوای ایلمن نظر مصالح ظامی

جهجه ایلامن رفت پرسنی و قوق المان

بهر بیان اینکه که دولت میگردد ختم بیاره

کاری تدارد اینکه زیستهای میزبان خود را

فیض گراف فروخته خرج جیاشی و متنی

میکند است و پس از تکه آنای را

نهام نمودند اکنون رزمی های خوشی

باقی شیوهای بذر را در بازار آزاد

مهم ! تفاوت بود

خلاصه از غربان چین برمی آید

این شرکر گرین گرفت تجھیقطی و اراداقیوس

کیفر سبب متفقین اختر و رفته رفته تماذل

نیزهها تدفع متفقین برخواهد گشت

جهجه خوری

پس از انتشار خبر میهم غافر تصرف

ررق پس میباشان خوری و متفاق

اشبار دار بر حله عمومی قیمو شکو

در نوای ایلمن نظر مصالح ظامی

جهجه ایلامن رفت پرسنی و قوق المان

بهر بیان اینکه که دولت میگردد ختم بیاره

کاری تدارد اینکه زیستهای میزبان خود را

فیض گراف فروخته خرج جیاشی و متنی

میکند است و پس از تکه آنای را

نهام نمودند اکنون رزمی های خوشی

باقی شیوهای بذر را در بازار آزاد

مهم ! تفاوت بود

خلاصه از غربان چین برمی آید

این شرکر گرین گرفت تجھیقطی و اراداقیوس

کیفر سبب متفقین اختر و رفته رفته تماذل

نیزهها تدفع متفقین برخواهد گشت

جهجه خوری

پس از انتشار خبر میهم غافر تصرف

ررق پس میباشان خوری و متفاق